



سهراب سپهری :
يك هنرمند معاصر

سهراب
و، ویژگی
نقاشی هایش

هنر معاصر و
رویکردی انتقادی

گالری گردی

معرفی کتاب





صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی نقاشی دانشگاه الزهراء(س)

مدیر مسئول: فائزه سلیمانی، دانشجوی کارشناسی رشته نقاشی دانشگاه الزهراء

سرمدبیر: مریم پیکری علمداری، دانشجوی کارشناسی رشته نقاشی دانشگاه الزهراء

مدیر داخلی: مهین رستم‌خانی، دانشجوی کارشناسی رشته نقاشی دانشگاه الزهراء

هئیت علمی

دکتر زهرا پاکزاد، دکتر الهه پنجه‌باشی، دکتر منصور حسامی، دکتر پریسا شاد قزوینی، دکتر داریوش فرد دهکردی،
دکتر مینا محمدی و کیلی (بر اساس حروف الفبا).

هئیت تحریریه

آنالی و کیلی اردبیلی، بامداد رضوانیان، ضیافت بیاتی، فائزه سلیمانی، مریم پیکری علمداری، مهین رستم‌خانی،
یاسمن بطحائی، فاطمه گودرزی (بر اساس حروف الفبا).

عکاس؛ مریم پیکری علمداری

صفحه‌آرایی و طراح لوگو؛ شیوا خزائی

تصویر روی جلد؛ عکس یکی از آخرین آثار استاد مهدی حسینی در گالری هور می‌باشد.

استاد مشاور؛ دکتر الهه پنجه‌باشی

کارشناس نشریه؛ دکتر زهرا وزیری

ویراستار؛ شرکت نقش و نگار

نشانی پستی: تهران، میدان ونک، خیابان ده ونک، دانشگاه الزهراء(س)، واحد نشریات. تلفن: ۰۲۱۸۸۰۴۱۳۴۳



پست الکترونیکی: bazhalzahra@gmail.com

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

این نشریه دارای مجوز شماره در تاریخ از معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه الزهراء است.



فهرست مطالب

۴ سخن سردبیر
	مریم پیکری علمداری	 
۵ سهراب سپهری؛ یک هنرمند معاصر
	فاطمه گودرزی	 
۸ سهراب و ویژگی‌های نقاشی‌هایش
	ضیافت بیاتی	 
۱۱ هنر معاصر؛ رویکردی انتقادی
	مصاحبه با بامداد رضوانیان، فائزه سلیمانی	 
۱۵ گزارش گالری گردی
	گالری الهه، گزارشی از مهین رستم‌خانی	 
۱۶ معرفی کتاب
	یاسمن بطحائی	 





سخن سردبیر

گستره‌ی هنر و حوزه متعدد و تنوعی را در خود جای داده است. دانش جوان و دانش آموخته‌گان به این امر واقف هستند؛ اما آنچه لازم است در این خصوص مورد توجه بیش از پیش قرار گیرد توجه به علمی و تخصصی شدن این رشته و فعالیت‌های این حوزه می‌باشد. در عصر حاضر که با گسترش بی‌رویه تکنولوژی و افزایش ارتباطات در دنیای مجازی شاهد خلق و انتشار آثاری در حوزه نقاشی، هستیم که کیفیت در این عرصه را نشان داده است. لذا تخصصی و حرفه‌ای شدن رشته نقاشی بیش از پیش احساس می‌شود؛ این لزوم توجه از آن جهت ذکر شده است که امروز هر فردی امکان آن را دارد تا دست به خلق اثری هنری زده و با آثار خود این گستره را بی‌تجربه و مطالعه علمی پر مخاطره نماید. دوماهنامه هنری باژ در راستای فعالیت علمی و دانشجویی به دنبال انتشار مطالب و مقالات در حوزه رشته نقاشی می‌باشد؛ اعضاء و همکاران به‌سنت تحریریه این نشریه در هر شماره به قصد انتشار مطالبی در راستای مسدای اصلی رشته نقاشی دور هم جمع می‌شوند؛ به باور ما مسدای اصلی رشته نقاشی حرکت به سوی نشر مطالب و مطالعات علمی و بهره‌گیری از تجربه اساتید بر حجت در این حوزه می‌باشد.

به امید روزهای بهتر

سردبیر دوماهنامه باژ

مریم پیکری علمداری



دانشگاه الزهراء



سهراب سپهری؛ یک هنرمند معاصر

فاطمه گودرزی



کرد. وی با سفر به کشورهای مختلف ضمن آشنایی با فرهنگ و هنرشان نمایشگاه‌های بیشتری را برگزار نمود.

سپهری در نقاشی از دستاوردهای زیبایی-شناختی شرق و غرب بهره‌مند گشته بود که این تاثیرها در آثارش جلوه گر بودند. در آثار نقاشی‌اش رویکرد نوین و متفاوتی داشت به طوری که فرم‌های هندسی نخودی و خاکستری رنگش با تمامی نقاشان فیگوراتیو همزمانش متفاوت بود. او در نقاشی به شیوه‌ای موجز، نیمه انتزاعی دست یافت که برای بیان مکاشفه‌های شاعرانه اش در طبیعت کویری کارگشا بود. سپهری بیشتر نمایشگاه‌های داخلی آثار نقاشی اش را در «گالری سیحون» برگزار می‌کرد و عادت نداشت که برای روز معرفی در نمایشگاه شرکت کند. امضای وی به خط «نستعلیق» بوده که به نظر مرتضی ممیز جلوه از روحیه فروتنانه و ایرانی‌اش دارد.

سهراب سپهری در ۱۵ مهرماه ۱۳۰۷ در کاشان به دنیا آمد. وی در سال ۱۳۳۰ نخستین مجموعه شعرنیمایی خود را به نام مرگ رنگ منتشر کرد. در سال ۱۳۳۲ از دانشگاه هنرهای زیبا فارغ التحصیل شد و نشان درجه اول علمی را دریافت کرد. در همین سال در چند نمایشگاه نقاشی در تهران شرکت نمود و نیز دومین مجموعه شعر خود را با عنوان زندگی خواب‌ها منتشر کرد. در آذر ۱۳۳۳ در اداره کل هنرهای زیبا در قسمت موزه‌ها شروع به کار کرد و در هنرستان‌های هنرهای زیبا نیز به تدریس می‌پرداخت.

وی همچنین کارهای هنری خود را در نمایشگاه‌ها به معرض نمایش گذاشت. حضور در نمایشگاه‌های نقاشی همچنان تا پایان عمر وی ادامه داشت. در اسفند سال ۱۳۴۱ از کلیه مشاغل دولتی به کلی کناره‌گیری کرد. پس از این سهراب با حضور فعال‌تر در زمینه شعر و نقاشی آثار بیشتری آفرید و راه خویش را پیدا



سهراب و ویژگی های نقاشی هایش

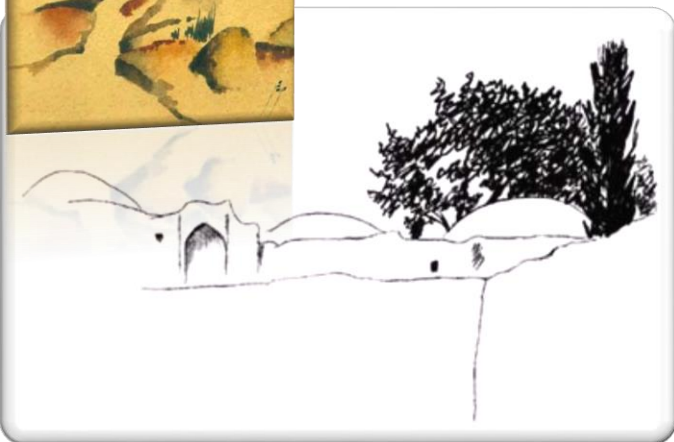
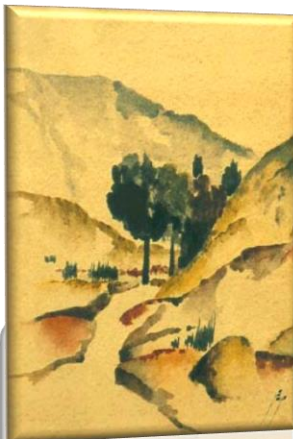
ضیافت بیاتی



او میان پیکر‌نمایی و انتزاع مطلق، میان رویکرد حسی به واقعیت و عقلانیت سازماندهی تصویر در نوسان بود. گاه با خطوط سیال و رنگ‌های خاکی بدیهه‌نگاری می‌کرد و گاه در ترکیب‌بندی‌های خود صور هندسی قاطع و رنگ‌های درخشان به کار می‌برد. با این حال، او تجربیات صوری متنوع را عمدتاً با تأکید بر اصل «خلاء» به هم پیوند می‌داد و جوهر سبک خود را حفظ می‌کرد. موضوعات نظر صوری در نقاشی‌های سهراب سپهری عبارتند از:

۱. منظره‌ها؛ بیشتر چشم‌انداز کویری، قریه‌ها، باغستان‌ها، جویباران، دره‌ها و شکاف‌های آبرفتی کوهستان‌ها (تصویر ۱ و ۲).

سهراب سپهری شاعر و نقاش معاصر، در پانزده مهر هزار و سیصد و هفت به دنیا آمد. دوران کودکی را در کاشان گذراند. از همان آغاز خط و نقاشی نیکو داشت. سپهری کار جدی خود را در مقام یک نقاش با یک سلسله تصویرهای برگرفته و خلاصه شده از طبیعت آغاز می‌کند. نخستین آبرنگ‌ها و گواش‌های او را می‌توان بازنمایی لحظه‌های تجربه شاعرانه در جهان اشیا دانست. حرکت آزاد و شتابان قلم مو، در هم‌شدن رنگ‌ماده، تأکید بر تباین‌های رنگی و استفاده از عوامل تمرکز دهنده در فضای دو بعدی، از جمله مشخصات این دوره‌اند و اثرپذیری از نقاشی انتزاعی مکتب پاریس را نشان می‌دهند. با این حال، تلاشی آگاهانه برای تلفیق سنت‌های غربی و شرقی، و کوششی برای دستیابی به شیوه‌ای مستقل و شخصی نیز در این آثار مشهود است.





دو ماهنامه هنری دانشجویی باژ



تندننگاری؛ ۶- حذف انسان به عنوان موجودی که در مرکز عالم است. یعنی گریز از انسان مداری. این نه به معنای نکشیدن صور انسانی، بلکه زدودن اندیشه انسان مداری از اثر هنری است انسان جزئی است از کل هستی. به همین سبب انسان را در هستی اشیاء اجسام و طبیعت در بطن آن، آمیخته و در هم تنیده با آن احساس می‌کنی نه در بیرون و جدا از طبیعت و در برابر آن. منظره‌ها به خوبی نشان دهنده‌ی این اندیشه‌اند. هر جا قریه است، هر چه آب و گیاه است بدون آنکه تصویری از انسان باشد حضور انسان را حس می‌کنی، در قریه، کویر و واحه یعنی حضور انسان. ۷- حذف و کاهش یعنی ایجاز در کار؛ ۸- توجه به ساختار و رسیدن به یگانگی در شکل و محتوا؛ ۹- حذف زمان و مکان با زبان رنگ و خط؛ ۱۰- نقاشی به عنوان یک کار فکری نه یک کار دستی، نه صنعتگری؛ ۱۱- گریز از شهر که ساخته دست انسان است و غوطه زدن در حجم و رنگ و خط و حرکت خاک و گیاه و اجرای آن در سطحی دو بعدی از کاغذ و بوم؛ ۱۲- توجه به این که هنر هر دوره‌ای پاسخگوی نیاز احساس و ادراک همان دوره است و ارتباطی با قبل از خود ندارد. هرگونه ارتباطی با گذشته یک پیوند زیست‌شناسانه است. ۱۳- پذیرش نقاشی به عنوان یک خودنگاری فردی نه توصیف بیرون از ذهن و واقعیت با اتکای به عناصر

در نهایت می‌توان بیان داشت که نقاشی‌های سپهری خیلی ساده است. اغلب مثل یادداشت‌هایی است که از لحظه‌های تصویری خیال برداشته است. در واقع او خواسته است که لحظه‌های زنده و زندگی را ثبت کند. مثلاً زندگی‌ای را که سالها در لابه‌لای درختان یک دره در جریان است تصویر کند. زندگی مردمی که پیدا نیستند و لابه‌لای درختان تبریزی یک ده در میان دره‌ای زندگی می‌کنند. از دور منظره‌ای را می‌بینیم، از میان دره، انبوهی از درختان را می‌بینیم که تکان می‌خورند. آنجا حیات است که زیر پای درختان در جریان است. مردمانی هستند که وقتی گلی در گلدان می‌شکفت شاد می‌شوند. زمزمه جوئیبار را دوست دارند. جوئیباری که از کنار درختان می‌گذرد مثل ساعتی طبیعی لحظات عمرشان را می‌برد، تا افق می‌رود. گیاهان را سبز نگه می‌دارد علف‌ها را می‌رویانند.

برای درک نقاشی سهراب سپهری بیننده آثار او باید این موارد را همیشه به یاد داشته‌باشد: ۱- گریز از داستان گوئی، ۲- گریز از توصیف، ۳- به قالب کشیدن احساس و ادراک از جهان در بدیهه نگاری؛ ۴- به کار گرفتن خط‌ها، علامتها، لکه‌ها، رنگها نه به عنوان تقلید از الگوهای واقعی و نه تجسم واقعیت بلکه پی ریختن واقعیتی تازه بر اساس مصالح نقاشی مثل کاربرد واژگان در شعرنیمائی؛ ۵- توجه به



دو ماهنامه هنری دانشجویی باژ



طبیعت و زندگی؛ ۱۴- ثبت حرکت و زندگی جانداران، گیاهان، باد، آفتاب، بو و طعم خاک به عنوان یک اثر هنری به ترجمانی از وضعیت صوری آنها در خطوط و رنگ‌های نقش بسته بر کاغذ؛ ۱۵- عدم توجه به ژرفنمایی (پرستیکو) کالبدشناسی (آناتومی) به شیوه گذشته غرب و کاربرد جدید آن در

قرن بیستم.





هنر معاصر؛ رویکردی انتقادی

الملك آموخته‌های خود را در مدرسه به شاگردانش آموزش می‌دهد. بعدها از جمله شاگردان کمال‌الملک، ابوالحسن صدیقی و علی‌محمد حیدریان هستند که در دانشکده هنرهای زیبا تدریس می‌کردند.

یکی از اندیشه‌های حاکم بر هنر معاصر برقراری پلی میان فرهنگ و سنت ایرانی و هنر غربی است که این اندیشه تاکنون نیز جاری است. هنرمند ایرانی علاقه‌مند است علاوه بر حفظ فرهنگ و سنت در هنر ایرانی، با فرهنگ و هنر سایر جوامع نیز ارتباط برقرار کند.

بعد از تاسیس دانشکده هنرهای زیبا و فارغ التحصیل شدن دانشجویانی که بعضاً به اروپا می‌روند و با سبک‌های مختلف اروپایی آشنا می‌شوند به نوعی تلاش شکل می‌گیرد تا سبک‌ها و آموخته‌های خود را وارد هنر ایران کنند؛ مانند جلیل ضیاپور و حمیدی.

بنابراین طبیعی است که هنر معاصر ایران با انواع مختلفی از سبک‌ها و دیدگاه‌ها شکل بگیرد. این آموخته‌ها در طول سالیان تغییر می‌کند و در واقع هویت هنر معاصر ایران ترکیبی است از دیدگاه سنتی هنرمند ایرانی و نگاهی که از هنر غرب دریافت شده که در

مصاحبه با بامداد رضوانیان، فائزه سلیمانی در این مصاحبه به سراغ آقای رضوانیان رفته و در آتلیه ایشان در پای سخنانشان نشستیم تا در یک گفت‌وگوی صمیمانه به مسئله هنر معاصر بپردازیم.

• به عنوان اولین سوال، به نظر شما هنر معاصر از چه دوره‌ای در ایران شکل گرفت و چه سیر و تحولی را در پیش دارد؟

رضوانیان: در واقع اگر بخواهیم زمانی را برای آغاز هنر معاصر در ایران نام ببریم می‌توان به دو تاریخ اشاره داشت؛ اول تاسیس مدرسه صنایع مستظرفه توسط کمال‌الملک و تاریخ مهم‌تر احداث دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران...

در واقع از این تاریخ به بعد می‌توان روند شکل‌گیری هنر معاصر را بخوبی در آثار ایرانیان مشاهده کرد. بعدتر و در اواخر دوره قاجار، کمال‌الملک به اروپا سفر می‌کند و آموزش‌هایی از هنر غرب را فرا می‌گیرد. هرچند که این آموزش بطور کامل دریافت نمی‌شود اما به همان میزان، اندک تاثیر خود را در آثار کمال‌الملک عیان می‌کند و کمال



دو ماهنامه هنری دانشجویی باژ

رضوانیان؛ با شکل‌گیری هنر معاصر خیلی طبیعی است که مساله‌ای تحت عنوان اقتصاد هنر تعریف شود؛ تعداد فارغ التحصیلان تجسمی بیشتر می‌شود و متعاقب آن برای ارائه اثرهای خلق‌شده، گالری‌های متعددی احداث می‌شود.

از سوی دیگر بخشی از هنرمندان پس از فارغ التحصیلی وارد حوزه آموزش و تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی می‌شوند و بخش دیگری از هنرمندان جذب فضای فروش و تبادل آثار هنری می‌شوند. البته ورود به این فضا برای مدرسین هنر و معلمان نیز امری ممکن و وابسته به انتخاب ایشان است.

امروزه متأسفانه تعداد گالری‌ها کم و محدود هست و با توجه به خواسته و نیاز جامعه هنری تاسیس نشده‌اند؛ در فضای گالری‌ها می‌توان به دو گروه اشاره کرد که گروهی کارشناس یا فارغ التحصیل هنر هستند که اقدام به تاسیس گالری می‌کنند و گروهی از فضایی خارج از هنر وارد این حوزه می‌شوند و گالری تاسیس می‌کنند.

از طرفی به این علت که هنرمند و یا معلم هنری دغدغه و تعهد بیشتری نسبت به تدریس یا خلق اثر دارد کمتر وارد مقوله

آثار هنری یک هنرمند شکل متفاوتی به خود می‌گیرد.

تاثیر رسانه و وسایل ارتباط جمعی، همچنین دریافت‌های نوین از تاثیر مابین سنت‌های تصویری و مدرنیسم بخشی از ویژگی‌های هنر معاصر ایران را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع در هنر معاصر ما گذاری از دل سنت و همچنین مدرنیسم به سمت رویکردهایی داریم که شکلی معناگرایانه با کاربستی از تجارب وضعیت و موقعیت کنونی انسان معاصر را با استفاده از تکنیک‌های گوناگون، در دل خود می‌گنجانند. البته قابل ذکر است که مدرنیته در ایران خوب شناخته و تجربه نشد و در واقع شکلی ظاهری از آن رواج یافت. اما به هر حال نقاش معاصر ایرانی سعی بر ارتباط با جهان معاصر خویش دارد.

در این میان بعضی هنرمندان تمایل به واقع‌گرایی و برخی به هنر مفهومی علاقه دارند؛ برخی هنر انتزاعی را دنبال می‌کنند و... این تنوع است که هنر معاصر را شکل داده است.

• به نظر شما میزان سواد بصری گالری‌داران و تاثیر آن بر فضای تجسمی و نقاشی به چه صورت

است؟



دو ماهنامه هنری دانشجویی باژ

در چنین فضایی شاهد شهرت‌های کاذبی هستیم که این گالری‌ها به آن دامن می‌زنند. گالری‌دارها در جواب چنین نقدی اذعان می‌کنند که قصد دارند با این کار فضای بیشتری برای ارائه اثر به هنرمندان مختلف بدهند در حالیکه این رویه باعث آسیب به کیفیت شکل‌گیری آثار هنری و محتوای مناسب آن خواهد شد و این امر موجب دلسردی در بین هنرمندان و دانشجویان تجسمی می‌شود.

البته نمی‌توان منکر حضور گالری‌های استاندارد می‌شد که سعی دارند از این فضا دوری کنند اما تعداد محدود این گالری‌ها و در دسترس نبودن آنها باعث می‌شود هنرمندان نتوانند بخوبی با آنها ارتباط جدی برقرار کنند. اگر گالری‌دارهای غیر متخصص بتوانند از کارشناس‌های هنری در کنار خود بهره ببرند شاهد پیشرفت و بهبود در این زمینه خواهیم بود. باید بپذیریم که هدف از گالری داری یک کار فرهنگی و عام‌المنفعه است نه در نظر گرفتن سود شخصی و کسب جایگاهی برای گالری‌دار.

در مجموع وقتی به ویرترین هنر معاصر نگاه می‌کنیم آثاری را می‌بینیم که دغدغه و فکر هنرمندان جوان نیست. ما در دانشگاه‌ها راجع به مباحث عمیق در هنر کار می‌کنیم اما

گالری داری می‌شود. در مقابل قاعدتا بخشی از گالری‌ها توسط افراد دیگری خارج از دنیای هنر تاسیس می‌شود. در واقع عده‌ای با توجه به داشتن شرایط مالی و حمایت مناسب وارد این فضا می‌شوند که بتوانند بخشی از این چرخه اقتصادی هنر را کسب نمایند.

در برخی موارد تعداد زیادی از این افراد به علت نداشتن علم و تخصص کافی در زمینه هنر به تدریج مسیری اشتباه در پیش می‌گیرند؛ و متأسفانه به اثر هنری به چشم کالایی برای خرید و فروش نگاه می‌کنند و از فضای علمی و تخصصی که انتظار می‌رود در جامعه هنری وجود داشته باشند دور می‌شوند؛ و بخشی از فضای حاکم بر هنر معاصر را به سمت و سویی نادرست می‌برند. برای مثال دانشجویان تجسمی یا هنرمند پس از سال‌ها تلاش وقتی برای ارائه اثر به گالری‌ها مراجعه می‌کنند، گالری‌داری که صرفاً بعد اقتصادی و فروش را مورد توجه قرار می‌دهد نمی‌تواند پل مناسبی بین هنرمند و مخاطب ایجاد کند. در نتیجه در بخش بزرگی از فضای گالری‌ها شاهد نمایش آثاری کم کیفیت و فاقد محتوا هستیم و بخشی از آثار هنر معاصر به سمت دکوراتیو بودن پیش می‌روند.



ضعف را در وهله اول شناسایی و به رفع آن کمک می‌کند. باید بپذیریم که نوزایی، وجهی از هستی و بخش مهمی از این عالم است. این طور نیست که همه چیز رو به اتمام و تاریکی باشد و روزنه امیدواری نباشد؛ در دل اضداد هست که رشد اتفاق می‌افتد و زایش رخ می‌دهد. حتی در همین فضایی که هنر سمت و سوی تجاری پیدا کرده است،

هنرمندانی هستند که امیدوارانه و پایبند به اصول درجهت محقق شدن اهداف و شکل‌گیری و تداوم ارزش‌های اصیل در هنر تلاش می‌کنند.

* بابت زمانی که به ما دادید و گفتگویی که صورت گرفت بسیار متشکریم. به امید روزهای بهتر برای هنر و ارتقای سواد علمی فعالین این حوزه از شما خداحافظی می‌کنیم.

خروجی آن در هنر معاصر ملموس نیست؛ امروزه هنر معاصر به سمت کارهای دکوراتیو حرکت می‌کند.

• از محتوای پاسخ شما این نکته منتج می‌شود که این روند نیازمند یک نقد است. به نظر شما جایگاه نقد در هنر معاصر چگونه است؟ و نقد سالم چگونه است؟

رضوانیان: در فضای تجسمی منتقدین معمولاً معلم‌هایی هستند که کار آموزش و نقاشی انجام می‌دهند و گاهی اوقات وارد حوزه نقد می‌شوند؛ این درحالی است که منتقد باید آگاهی به کار نقد و علوم نقد داشته باشد و این کار را به صورت تخصصی و متمرکز دنبال کند. ما در حوزه تجسمی منتقد حرفه‌ای به شکلی که نقد را حرفه‌ای آموزش دیده باشد نداریم و نقد بیشتر جنبه حسی و سلیقه‌ای دارد نه علمی.

در حالی که نقد باید در فضایی به دور از محافظه‌کاری و تعارفات و یا حب و بغض ابراز شود تا بتواند در بهبود آثار هنری تاثیرگذار باشد. از طرفی هنرمند و جامعه هنری نیز باید پذیرای نقد سالم باشند و امنیت روانی لازم را برای منتقد فراهم کنند. نقد حقیقی به جامعه پویایی می‌بخشد و جامعه را از ایستایی دور می‌کند زیرا نقاط





گالری کردی

گالری الهه؛ گزارشی از مهین رستم‌خانی
در انتهای خیابان گلفام در محله جردن
گالری الهه قرار دارد؛ در ماه اول پاییز ۱۳۹۷
در این گالری شاهد برگزاری نمایشگاهی
گروهی بودیم.

مجموعه پیش‌رو حاصل کوشش یک سال
فعالیت مستمر هنرمندانی است که برای
رسیدن به فضای شخصی در آثارشان تلاش
کرده و هرکدام با سعی و خطا به نتیجه
دلخواه خود رسیده‌اند. در این مسیر هدف
اصلی، شکل‌گیری فضای مستقل هنرمندان از
هم در یک زیرمجموعه است که با پیروی از
موضوعی خاص با عنوان «جاودانه‌گی» یا
«جریان نامیرا» شکل گرفته است.

جاودانه‌گی دارای گستره مفهومی بسیار وسیع
است که هر هنرمند برداشت شخصی خود از
این موضوع را بیان و به زبان تصویر تبدیل
کرده است.

هنرمندان این گروه:

بشری آل‌کثیر (سابقه چاپ دستی: ۲ سال)

پانته آبیات مختاری (سابقه چاپ: ۴ سال)

هدیه حیدری (سابقه چاپ ۲ سال)

دنیا خواجگانی (سابقه چاپ ۲ سال)

دنیا گرجی (سابقه چاپ ۳ سال)

خاطره لطفی (سابقه چاپ ۳ سال)
آذرنوش مبصر (سابقه چاپ ۳ سال)
در این مجموعه مهم‌ترین عامل شکل‌گیری
این گروه، مسئولیت‌پذیری، کار گروهی،
انگیزه و پشتکار بود که اگر هریک از این
ویژگی‌ها در هنرمندان وجود نداشت امکان
برپایی این نمایشگاه ممکن نبود.
نمایشگاه از ۶ تا ۱۶ مهر ۱۳۹۷ در گالری الهه
برپا شد که با توجه به استقبال بسیار تصمیم
بر آن شد که نمایشگاه در شهرستان‌های آمل،
شهرسوار، شیراز و اهواز نیز برگزار شود تا
علاقه‌مندان به هنر بیشتر با مقوله چاپ دستی
آشنا شوند.

آنالی وکیلی

مهرماه ۱۳۹۷



نمایشگاه گروهی چاپ دستی
به پیشنهاد آنالی وکیلی

بشری آل کثیر
پانته آبیات مختار
هدیه حیدری
دنیا خواجگانی
دنیا گرجی
خاطره لطفی
آذرنوش مبصر

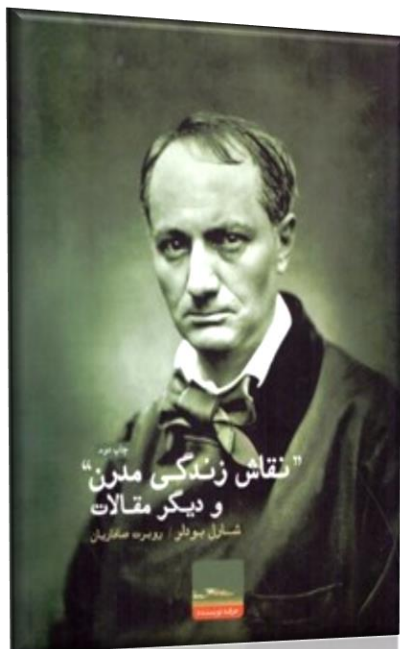
سید علی میرزا

تاریخ انتشار: جمعه ۴ مهرماه از ساعت ۱۴ تا ۲۰
از روز ۴ تا ۶ مهرماه از ساعت ۱۰ تا ۲۰
یکشنبه چهارشنبه و تعطیل است

بازار آفریقا، انتهای خیابان گلشن‌هیابان نازنین چمن بسد امین پلاد ۳۰ شماره خانه الهه

معرفی باکتاب

یاسمن بطحائی



اول. بودلر به مانند بسیاری از شاعران و نویسندگان فرانسوی پیشرو در قرن نوزدهم بخشی از عمر خود را وقف نقادی کرد. در واقع با بررسی یک نمایشگاه بود که اولین تجربه ادبی اش را پدید آورد. و مهم این که او حتی در همان آغاز در سال ۱۸۴۵، فریادزنان در پی هنرمند نقاشی بود که بتواند وجهه قهرمانی زندگی مدرن را به تصویر درآورد. از همین رو او کنستانتین ژای را یافت و در مقاله مهم اش «نقاش زندگی مدرن» ستایش اش کرد. مقالات دیگر بودلر در این کتاب، مطالعات گسترده و مهم او از دلاکروا و آلن پو و جستارهای کلی تری در باب «اسباب بازی» و «هنر فلسفی» و مجموعه ای از نوشته های نقادانه او است. مجموعه حاضر، پژوهش جذابی است در مهم ترین ایده ها و سرآمدان دنیای انتقادی بودلر؛ شاعر بزرگی که ملقب به «پدر نقد هنری مدرن» است.

کتاب حاضر نه تنها به بهترین وجهی ما را با بخش مهمی از دنیای هنر، ادبات و نقادی فرهنگ آشنا می سازد، بلکه به دلمشغولی های فکری و خلاقانه بودلر و دوران او نیز پرتو می افکند.





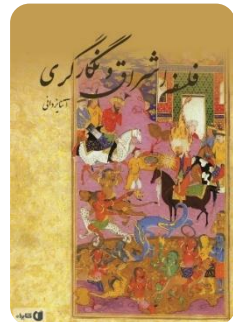
دو ماهنامه هنری دانشجویی باژ

در این کتاب سعی بر این بوده که جایگاه اشراق در شرایطی که هنر نگارگری در دوران تیموری و صفوی داشته است مورد مطالعه قرار گیرد.

سوم؛ واژه دیوارنگاری، به چیزی بیش از ترسیم در اندازه بزرگ بر روی دیوار اشاره دارد. در واقع تفاوت مابین نقاشی دیواری و نقاشی سه پایه، تنها به محل اجرا یا قابل حمل بودن اثر محدود نمی‌شود. بلکه آنچه بین این دو تمایز پدید می‌آورد از مجموعه ویژگیهای زیباشناسانه و ضرورت‌های فنی بسیار متغیر حکایت دارد. کتاب حاضر نوشته دکتر منصور حسامی، تلاش دارد به نیازی پاسخ گوید که در کارگاه‌های نقاشی دیواری به عنوان اصول و روش‌های اجرایی شناخته می‌شود. این ضرورت با پرداختن به طرح در مرحله نخستین تا انجام و سپس حفظ آثار نقاشی دیواری صورت پذیرفته است. مطالعه آن برای دانشجویان رشته نقاشی و رشته‌های موازی توصیه می‌شود.

دوم؛ نگارگری را می‌توان با درک اصولی خاص قابل فهم کرد. این امر در نقاشی تا حد زیادی حقیقت دارد و قابل درک است ولی در نگارگری پیام خود را به گونه‌ای ناشناخته نشان می‌دهند که باید روش‌های ارتباطی آن‌ها را برای انتقال پیام بررسی کرد. به طوری که می‌توان برای یک نگارگری پایه‌های درونی در نظر گرفت که می‌توانند تاویلات گسترده‌ای را به کار اضافه کنند. البته در مواردی اگر ما از زمینه تاریخی و ریشه‌های مذهبی اثر و حتی شرایط زیستی هنرمند و مسائل جامعه معاصر هنرمند اطلاع کافی نداشته باشیم نمی‌توانیم گرایش خاص آن هنرمندان را در جهت‌گیری شخصی وی درک کنیم.

کتاب فلسفه اشراق و نگارگری نوشته آتنا یزدانی، به بررسی نشانه‌های اشراق با تمرکز بر روی نگاره‌های قرون ۸ و ۹، رمز گشایی نشانه‌های تصویری موجود در آن‌ها و همچنین نشانه‌هایی که در نگارگری وجود دارند و ارتباط آن‌ها در آن دوران می‌پردازد.



رنگ روغن روی فیبر
۱۰۰×۷۰ سانتی متر
تاریخ اثر: ۱۳۴۸
بهمن محمص



در نقاشی دو عامل مطرح است:
چشم و مغز
هر کدام باید پشتیبان دیگری باشد
و باید در جهت رشد هر دو بکوشیم
(پل سزان)

